

لیست موسوم به زندانیان سیاسی اصلاح طلب رادیکال یک اسکرول هم نبود یک ماه پروپاگاندا برای ۵ نفر



علی مزروعی

خبرنگار گروه سیاست

در میانه جنگ و آتش که بیش از هزار نفر از هم‌وطنان به شهادت رسیدند، نزدیک به ۶ هزار نفر مجروح شدند و خسارات مادی نیز به مردم و کشور تحمیل شد. برخی بدون توجه به این موضوع که اولویت اول کشور جنگی است که ۱۲ روز زندگی و روان مردم را مختل کرده، یک مطالبه سیاسی را روی میز گذاشته و با فریاد زدن این موضوع که برای همبستگی ملی نیاز به آزادی زندانیان سیاسی داریم سعی در اولویت‌سازی غیر واقعی برای کشور داشتند. با فروکش کردن آتش اما مشخص شده این مطالبه حتی در ذهن مدعیان نیز به‌دغدغه تبدیل نشده، چه برسد به مردمی که برخی از زبان آنان نطق می‌کنند و به‌جایشان بیانه می‌نویسند. رئیس قوه قضائیه در دیدار با اصحاب رسانه با اشاره به اینکه برخی چهره‌های حاضر مطالبه آزادی زندانیان سیاسی را از قوه قضائیه دارند، به این موضوع واکنش نشان داد و گفت علی‌رغم اینکه قوه قضائیه بدون رد این درخواست از مطالبه‌گران این موضوع فهرست زندانیان مدنظر را درخواست کرده، آن‌ها فهرست ارائه نکرده و برخی نیز در واکنش به مطالبه رئیس دستگاه قضا بعد از تأمل و جمع‌بندی به یک جمع ۳ تا ۵ نفره رسیده‌اند. رئیس دستگاه قضا در واکنش به چنین ادعاهای بدون پشتوانه‌ای این درخواست را مطرح کرد تا افرادی که این مطالبه را داشته خود نبودن فهرستی بیش از ۵ نفر را علنی اعلام کرده و مسیر سوء استفاده تبلیغاتی معاندان را ببینند. در صورتی که جریان‌های سیاسی به این مطالبه رئیس دستگاه قضا پاسخ درستی بدهند هم باب بهانه‌جویی‌ها برای تخریب ایران را می‌بندند و هم به خودشان کمک می‌کنند که برداشت‌های بدبینانه از نیت‌های پشت‌پرده چنین دغدغه‌هایی در اذهان شکل نگیرد.

ابهام در تعریف «زندانی سیاسی»

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات پیرامون موضوع زندانیان سیاسی فقدان یک تعریف مشخص از سوی همه طرف‌هاست. جریان‌های سیاسی و رسانه‌ای هنوز توانسته‌اند تعریفی روشن و مشترک از این مفهوم ارائه دهند. نتیجه این بی‌تعریفی استفاده‌های سیاسی و تبلیغاتی از عنوان «زندانی سیاسی» است. اگر بنا باشد هر فردی که به دلیل یک عمل کیفری یا ضدانمنیتی دستگیر شده صرفاً به دلیل جایگاه اجتماعی یا سیاسی‌اش زندانی سیاسی شناخته شود، آنگاه مفاهیمی چون امنیت ملی و قانون جایگاه خود را از دست خواهند داد. این موضوع حتی فراتر از سیاست می‌رود. فرض کنید اگر یک روز رشکار یا هنرمند نیز مرتکب جرائم ضد امنیتی شود، آیا باید برای او عنوان «زندانی ورزشی» یا «زندانی هنری» گذاشته شود؟ جریان‌های اپوزیسیونی و برخی رسانه‌ها معمولاً در موقعیت‌های آشوب‌فکنی از همین رویه بهره می‌برند تا با برجسته‌کردن هویت اجتماعی افراد اعم از سیاسی، ورزشی و... از رسیدگی به جرائم کیفری او مشروطیت‌زدایی کنند و با منهم‌سازی دستگاه قضایی ایران پرونده‌های ادعایی در مورد مسائل حقوق بشری را قطور کنند. این مطالبات بیش از آنکه با نیت حقوق بشری باشد با رویکردهای ضدحقوق بشری صورت می‌گیرد؛ چرا که تصویب قطعنامه‌های تحریمی علیه مردم ایران را دنبال می‌کنند. یعنی توجیهات حقوق بشری بهانه‌ای است برای محروم کردن مردم ایران از حقوق انسانی خود از جمله غذا و دارو.

فهرست زندانیان سیاسی؛ اندک و نامشخص

اطهارات ایلیس حضرتی، رئیس شش‌ورای اطلاع‌رسانی دولت نیز در این زمینه قابل توجه است. او در دیدار با رئیس قوه قضائیه اعلام کرد از جمعی از روزنامه‌نگاران و روشنفکران خواسته فهرستی از زندانیان سیاسی در اختیارش قرار دهند و در نهایت توانسته‌اند تنها سه نفر را شناسایی کنند که حضرتی نیز دو نفر به آن اضافه کرده و تعداد را به پنج نفر رسانده است. این عدد کم‌نشان‌دهنده این است که جریان‌های سیاسی مدعی آزادی زندانیان سیاسی توانسته‌اند لیست دقیقی تهیه کنند و در تشخیص و تعیین هویت این زندانیان با مشکل مواجهند. این موضوع دو نکته مهم را نشان می‌دهد؛ اول آنکه خواسته‌های مطرح‌شده در فضای عمومی و رسانه‌ای در بسیاری از موارد فاقد پشتوانه مستند و واقع‌بینانه هستند. دوم آنکه بخش بزرگی از این موضوع رنگ‌وبوی سیاسی و تبلیغاتی دارد و کمتر مبتنی بر واقعیت‌های عینی و حقوقی است.

دغدغه‌مندی زیر سؤال

یکی از مهم‌ترین درس‌های این بحث ضرورت شفاف‌سازی و تخصصی‌کردن مطالبات مربوط به زندانیان سیاسی است. اگر واقعاً جریان‌های سیاسی و رسانه‌های وابسته به آن‌ها خواهان آزادی زندانیان سیاسی هستند، ابتدا باید از رویکردهای شعاری فراتر رفته و با اقدامات عملی تعریفی دقیق، روشن و مستند از «زندانی سیاسی» ارائه کنند و سپس هر مورد را به‌صورت جداگانه مورد بررسی قرار دهند. این بررسی‌ها باید مبتنی بر اسناد، شراهد و معیارهای حقوقی باشد و نه بر پایه گمانه‌زنی‌ها یا تبلیغات. در غیر این صورت مطالبات کلی و بدون مبنای تهاذیب‌شدن منافع ملی زیر چاقوی تسویه‌حساب‌های سیاسی را در پی خواهد داشت و دغدغه مدعیان را نیز زیر سؤال می‌برد. این مطالبه‌ها باید آمادگی داشته باشند تا با اقدامات عملی فهرست کامل و مستندی از افرادی که به باور خودشان زندانی سیاسی هستند، ارائه دهند و در برابر نقد و بررسی حقوقی جرائم آن‌ها مسئولیت‌پذیر باشند و با صداقت برخورد کنند.

قاتل به قانون باشید

با توجه به ضرب‌بدن برخی گروه‌ها به مطالبه آزادی برخی افراد تحت‌عنوان «زندانی سیاسی» از ط‌ر ح همین موضوع از بلندگوی دولت نیاز به گفت‌وگوی سازنده و کارشناسی در خصوص زندانیان سیاسی احساس می‌شود. همه طرف‌ها باید از دجابهو و جنجال‌رسانه‌ای فاصله بگیرند و بر پایه مستندات و اطلاعات دقیق مسائل را بررسی کنند. فعلاً ن سیاسی و رسانه‌ای نیز موظفند با رعایت اصول انصاف، شفافیت و واقع‌بینی مطالبه‌گری کنند. تنها در چنین فضایی است که می‌توان به نتیجه‌ای رسید که امنیت و انسجام اجتماعی کشور تقویت گردد. موضوع زندانیان سیاسی موضوعی چندوجهی است که نمی‌توان آن را صرفاً با شعارها و مطالبات کلی حل کرد. اظهارات رئیس قوه قضائیه و فعالان رسانه‌ای نشان می‌دهد مسئله تعریف و فهرست‌بندی زندانیان سیاسی نیازمند دقت، شفافیت و مسئولیت‌پذیری است. جریانات مطالبه‌گر باید ابتدا تعریف روشنی ارائه دهند سپس با بررسی‌های دقیق، میان زندانیان سیاسی واقعی و زندانیان امنیتی تفکیک قائل شوند و در نهایت باید در برابر نقاب مطیع و برای تصمصق قوه قضائیه مشروعیت قائل باشند. چنین مواجهه‌ای هم به حل مسئله به‌دور از برخوردهای سیاست‌زده کمک می‌کند و هم باب سوء استفاده معاندان را می‌بندد.

لاریجانی با چه دستور کاری راهی سفر منطقه‌ای شد؟

بازطراحی امنیتی در محور بغداد – بیروت



زهرا طیبی

خبرنگار گروه سیاست

پرونده عراق و لبنان، اولین دستور کار مهم علی لاریجانی در جایگاه دبیری شعام است. مقصد اولین سفر دبیر جدید شورای عالی امنیت ملی، بغداد و دیدار با مشاور امنیت ملی عراق بود، پس از آن هم لاریجانی راهی بیروت می‌شود. این سفر در شرایطی اتفاق می‌افتد که آمریکایی‌ها در ادامه دخالت‌هایشان در منطقه به دنبال تضعیف و خلع سلاح گروه‌های مقاومت در عراق و لبنان هستند. حضور علی لاریجانی در این شرایط را در دو کشور در ادامه تأکیدی که ایران در راستای لزوم تصمیم‌گیری کشورهای منطقه و قطع نفوذ قدرت‌های غربی داشته است، قابل تحلیل است. در این راستا به کارگیری دیپلماسی هوشمندانه و روی میز گذاشتن راهکاری که ضمن حفظ استقلال، راهی برای حذف نفوذ آمریکا از کشورهای مثل عراق و لبنان، ارائه دهد، می‌بایست در دستور کار قرار گیرد. تحولات دو مینواری که در منطقه با اعمال فشار آمریکایی‌ها در حال وقوع است، نشان می‌دهد، آمریکا به دنبال تقویت حضور و نفوذ خود در منطقه است، امری که در نتیجه امنیت همسایگان و از جمله ایران را تحت تأثیر قرار خواهد داد، در این راستا، رایزنی‌های دیپلماتیک و استفاده از این قدرت نرم با برنامه و کارویژه مشخص می‌تواند، نقش کلیدی ایفا کند. ابعاد رسانه‌ای این سفر این پیام را منتقل می‌کند که ایران نسبت به دخالت‌هایی که آمریکا در منطقه اعمال می‌کند، منفعل نخواهد بود.

■ ■ ■

تحولات بغداد، تغییرات منطقه‌ای را رقم می‌زند

سفر علی لاریجانی به بغداد در شرایطی اتفاق می‌افتد که فشارها برای خلع سلاح حشدالشعبی، اوج گرفته و از آن طرف هم مخالفت‌های جدی در عراق در واکنش به خلع سلاح حشد مطرح شده است. آمریکا و انگلیس به صراحت در تحولات عراق دخالت می‌کنند. برای مثال چند شب گذشته، سفیر انگلیس در عراق از انحلال حشدالشعبی انتقاد کرد و گفت: «نیاز به حشدالشعبی در عراق پس از شکست داعش، از بین رفته است.» یکی از نمایندگان جمهوری خواه آمریکا «جو پلسون» نیز ضمن حمایت از خلع سلاح حشدالشعبی، گفت: «از وقتی دولت عراق به گروه‌های مسلح، بودجه می‌دهد، من تلاش می‌کنم قانونی تصویب شود که کمک مالی آمریکا به عراق را متوقف کند... وقت آن رسیده که همه گروه‌های مسلح در عراق، به عنوان سازمان‌های تروریستی، شناخته شوند.» این اظهارات با واکنش‌های منفی در عراق مواجه شد و چهره‌های مختلف سیاسی در عراق به این موضوع این طور واکنش نشان دادند «نیاز به حشدالشعبی همچنان وجود دارد، زیرا داعش با حمایت آمریکا و بریتانیا هنوز باقی مانده است.» مجلس عراق اما برای جلوگیری از انحلال حشدالشعبی در عراق، قانونی جدید مطرح کرده که به موجب آن، حشدالشعبی جزء ساختار نظامی و امنیتی عراق، شناخته می‌شود به این معنی که سازمانی به نام حشدالشعبی عراق تأسیس و جزئی از نیروهای مسلح عراق و تحت فرماندهی ستاد کل نیروهای مسلح عراق خواهد بود. آمریکایی‌ها اما صراحتاً مخالفت خود با تصویب این قانون را اعلام کردند. علاوه بر آن تنش‌هایی در پارلمان عراق در جریان است، یک هفته پیش برخی از نمایندگان پارلمان، جلسه را تحریم کردند و اجازه تصویب پیش‌نویس قانون جدید حشدالشعبی را ندادند. سفر دبیر شورای عالی امنیت ملی در میانه این تحولات مهم، می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در سرنوشت گروه‌های مقاومت در عراق و همچنین تأمین امنیت عراق داشته باشد.

سفر به بیروت هم‌زمان با خلع سلاح

در لبنان نیز دولت، قانون خلع سلاح حزب‌الله را تصویب کرده است. اقدامی که نه فقط از جانب حزب‌الله که از سمت مردم لبنان نیز محکوم و با مخالفت جدی همراه شد. روشن است که ادامه این وضعیت و گام برداشتن دولت لبنان برای خلق سلاح، تنش‌ها در لبنان را افزایش خواهد داد. نظرسنجی‌ها می‌گویند، ۶۰ درصد مردم لبنان، با خلع سلاح حزب‌الله مخالفند، نزدیک به ۵۰ درصد از سنی‌ها، ۴۶ درصد از دروزی‌ها و ۳۲ درصد از مسیحیان با خلع سلاح حزب‌الله مخالف هستند. طبیعی است که اعمال خلع سلاح حزب‌الله واکنش منفی افکار عمومی در لبنان نیز به همراه خواهد داشت. به‌نظر می‌رسد، اعمال نفوذ آمریکا، در لبنان در راستای افزایش شکاف‌ها با ایران نیز در دستور کار است. در چند هفته گذشته، صحبت‌ها و مواضع مقامات ایرانی در مورد تحولات لبنان با واکنش منفی دولت لبنان همراه شده است، از این بابت، سفر علی لاریجانی به لبنان که گفته می‌شود، حاوی پیامی نیز است، در تقویت و بهبود روابط با دولت لبنان ناظر به تحولات جدید، حائز توجه است.

تعادل در دوگانه شرق و غرب

نقش لاریجانی در بازآفرینی سیاست خارجی

علی چاه‌خوزاده

خبرنگار

بازگشت علی لاریجانی به مسئولیت دبیری شش‌ورای عالی امنیت ملی در شرایطی که کشور بیش از هر زمان دیگر نیازمند بازتعریف عقلانی مناسبات خارجی است، صرفاً یک تغییر در سطح مدیران عالی‌رتبه تلقی نمی‌شود؛ بلکه می‌توان آن را نشانه‌ای از چرخش معنادار در تصمیم‌سازی کلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی دانست. او که هفته گذشته با حکم رئیس‌جمهور به این مسئولیت منصوب شد، تنها دو روز بعد، با حکم رهبر معظم انقلاب به‌عنوان نماینده ایشان در شورای عالی امنیت ملی نیز انتخاب گردید؛ امری که از وزن سیاسی، سابقه مدیریتی و جایگاه فکری او در ساختار حاکمیت حکایت دارد. لاریجانی پیش‌تر نیز بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶ این مسئولیت را برعهده داشته و در همان دوره، با وجود اختلاف‌نظرهایی با دولت وقت، در مدیریت پرونده هسته‌ای کوشیده است مسیر مذاکره و گفت‌وگو را جایگزین تش و تقابل کند. تجربه‌های مختلف او از صداسوسیما تا مجلس، از سپاه پاسداران تا شورای عالی امنیت ملی، باعث شده تا به یکی از معدود چهره‌هایی تبدیل شود که هم با پیچیدگی‌های تصمیم‌سازی درون نظام آشناست و هم مختصات عرصه بین‌الملل را به‌خوبی می‌شناسد، نکته قابل تأمل در این انتصاب، هم‌زمانی آن با استقرار دولتی است که نگاه متفاوت‌تری به تعامل با غرب دارد. در چنین شرایطی، بازگشت فردی چون لاریجانی به ساختار امنیتی کشور، می‌تواند حامل این پیام باشد که سیاست خارجی کشور نیازمند بازگشت به تعادل، عقلانیت و اجتناب از یک‌جانبه‌گرایی در مناسبات جهانی است. لاریجانی هیچ‌گاه از موضع ایدئولوژیک به شرق یا غرب نزدیک نشده

سفر منطقه‌ای دبیر شعام

در میانه منطقه‌ای پر آشوب

سفر دبیر جدید شورای عالی امنیت ملی، کمتر از یک هفته بعد از انتصاب به این دو کشور مهم منطقه که برای تغییر سیاست‌ها، تحت فشار قرار دارند، پیام‌هایی روشن‌شن دارد. ایران پیش از این بارها تأکید کرده بود که تحولات منطقه می‌بایست به دست کشورهای منطقه و با نفی نفوذ قدرت‌های خارجی صورت گیرد، این سفر در میانه این تحولات نشان می‌دهد که ایران برنامه خود برای تحقق این هدف را دنبال خواهد کرد. دیگر محور مهم این سفر، مقابله با نقض امنیتی مرزهای ایران از طریق کشورهای همسایه بود. از آنجا که در دوران جنگ ۱۲ روزه، بارها تجاوز به ایران با نقض حریم هوایی عراق صورت گرفته، تأکید به این موضوع برای جلوگیری از نقض آسمان این کشور برای تجاوز به ایران، حائز توجه است، موضوعی که در صحبت‌های الاعرجی مشاور امنیت ملی عراق نیز مطرح شد. مهم‌ترین محور این سفر که تمام ابعاد و موضوعات را در بر می‌گیرد، اعضای توافق‌نامه امنیتی میان ایران و عراق بود. علاوه براین و با توجه به فشارهایی که عراق از جانب آمریکا با آن مواجه است و با توجه به آشنایی دقیقی که لاریجانی با سیاستمداران عراقی دارد، پیشنهادها، ابتکارها و اعلام حمایت‌های ایران از عراق برای حمایت از مقاومت، می‌تواند، در تقویت مواضع حمایتی دولت، اثر مستقیم داشته باشد. سفر به لبنان نیز در این میانه حائز چند نکته و دستور کار مهم است، بخشی از ابعاد این سفر ناظر به تقویت و بهبود روابط دوجانبه ایران و لبنان در تعاملات دیپلماتیک خواهد بود. بخش دیگر سفر نیز ناظر به تحولات داخلی لبنان و مسئله خلع سلاح حزب‌الله خواهد بود. طبیعتاً دیپلماسی هوشمندانه و استفاده از برگ‌برنده‌ها و به کارگیری ابتکارات در مواجهه با دخالت آمریکا، می‌تواند نقش مهمی در حمایت از محور مقاومت و تقویت روابط با این کشورها ایفا کند.

مجیدی: تهران و بغداد حول دشمن مشترک متحد شوند، بحث اراده صرف مطرح نیست

علیرضا مجیدی، کارشناس مسائل عراق در گفت‌وگو با «فرهیختگان» در مورد اهمیت سفر لاریجانی به عراق گفت: «از زمان سقوط صدام آقای لاریجانی به علت ارتباطاتی که به واسطه حضور در شورای عالی امنیت ملی پیدا کردند در پرونده عراق حضور پررنگی داشتند و شخصیت‌هایی مثل علامه عسگری و آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی و شخصیت‌های مهمی در داخل عراق مثل مرحوم سیدعبدالعزیز حکیم و مرحوم چلبی و بعضی از سیاستمداران مثل آقای نوری مالکی از دوستان نزدیک آقای لاریجانی محسوب می‌شوند، لذا فردی است که با فضای عراق آشناست. سفر سال ۲۰۱۰ ایشان به عراق، سفر مهمی بود تا حدی حتی نقشه راه ادامه عراق را برای دوسه سال آتی خود مشخص کرد که در صحنه انتخابات به چه صورتی حضور پیدا کردند و فضای بعد از انتخابات، طبق توافقات آن نقشه از سوی شهید سلیمانی دنبال شد و دولت نوری مالکی تمدید شد و دست‌کم تا سال ۲۰۱۹ مسیر کشور عراق را تا حدی متأثر از آن سفر بود. نکته این است که آقای لاریجانی فضای عراق را از قبل می‌شناسد و این طور نیست که تازه پیش از سفر متوجه شده باشد که در عراق چه خبر است. البته سیالیت عراق به گونه‌ای است که پیش از سفر حتماً باید در جریان اتفاقات قرار گرفت اما تفاوت است بین کسی که شناخت محدودی در گذشته داشته و ناگهان مسئولیت می‌گیرد با کسی که آشنا با محیط است.»

علی چاه‌خوزاده

و همواره تلاش کرده است نگاه مصلحت‌سنجانه و واقع‌گرایانه را در تحلیل مناسبات بین‌المللی مبنای قرار دهد، واقعیت آن است که سیاست خارجی ایران در سال‌های گذشته، گاه به‌دور از توازن و در سایه دوقطبی‌های سیاسی داخلی و فشارهای بیرونی شکل گرفته و در بسیاری موارد، دچار نوسانات پرهزینه شده است. از یک‌سو، امید بستن به احیای سریع روابط با غرب، بدون در نظر گرفتن الزامات میدانی و میسران اراده واقعی طرف مقابل، به بن‌بست‌های انجامیده که حاصل آن، فرسایشی شدن مذاکرات و بی‌اعتمادی مضاعف بوده است. واقع‌گرایی حکم می‌کند که سیاست خارجی کشور، بر مبنای توازن، استقلال در تصمیم‌گیری و چندجانبه‌گرایی هوشمند طراحی و هدایت شود. بازگشت علی لاریجانی در چنین مقطعی، می‌تواند به این معنا باشد که سیاست‌گذاران کشور در حال بازنگری در مسیرهای گذشته هستند و می‌خواهند مجدداً عقلانیت و تعادل را در صدر اولویت‌های دیپلماسی قرار دهند، لاریجانی تنها از آن طراحان اولیه سند همکاری ۲۵ ساله با چین بوده، بلکه به‌عنوان مشاور رهبر انقلاب در سال‌های اخیر، بارها حامل پیام‌هایی مهم به سران کشورهای مهم منطقه و فرامطפה بوده است. همین سابقه، نشان‌دهنده سطح اعتماد به تحلیل‌ها و توان اجرایی او در حوزه سیاست خارجی است. کندی اجرای سند همکاری با چین که در ماه‌های گذشته انتقادات جدی‌ای را در پی داشته، بخشی از آن به دلیل فقدان راهبری منسجم در داخل بوده است. لاریجانی با اشراف کامل بر ساختارهای تصمیم‌ساز داخلی و آشنایی دقیق با طرف چینی، می‌تواند این فرایند متوقف‌شده را احیا کرده و به آن جهت مؤثر بدهد، همچنین، در حوزه همکاری‌های امنیتی و نظامی با روسیه، که طی سسال‌های اخیر به یکی از ابعاد حساس روابط ایران و روسیه بدل شده،

مجیدی به این موضوع هم اشاره کرد که سفر لاریجانی در میانه این تحولات مهم منطقه، حائز توجه است، گفت: «نکته دیگر آن‌که گفته می‌شود عراق در آستانه یک بحران امنیتی بسیار بزرگ قرار دارد که این بحران امنیتی شش حالت مختلف دارد، می‌تواند هرج‌ومرج باشد، می‌تواند مثل حمله آمریکا به ایران باشد، می‌تواند کودتا باشد، جنگ طایفه‌ای یا چند ترور هدفمند هوایی باشد. هم‌زمان می‌تواند یک عملیات نظامی گسترده باشد که نیروهای زمینی و هوایی ترکیبی با حمایت آمریکا ایسن عملیات را انجام دهد. در سطح پایین‌تر اگر تحولات امنیتی پیش نیاید، نقش تحولاتی که عراق در آینده نزدیک در پیش دارد و تهدیداتی که آمریکا در مورد قانون حشد مطرح کرده است، ممکن است عراق را دستخوش تحولات سیاسی خاص کند. در چنین شرایطی دقت عمل و نوع تعامل با ایران مهم است چون اساساً دشمن مشترک است که ما را در یک صف قرار می‌دهد. بحث اراده تهران و بغداد نیست بلکه با یک دشمن مشترک طرفیم که می‌خواهد با کشور عراق برخورد کند و مستقیماً این موضوع در امنیت ملی ما اثرگذار است از این جهت افزایش تعامل و همفکری اهمیت زیادی دارد.»

بستهٔ پیشنهادی متنوع برای تقویت روابط با همسایگان

تا اینجاى ماجرا آنچه قطعی به‌نظر می‌رسد این است که آمریکا به دنبال افزایش نفوذ خود در خاورمیانه است و این مسیر از تضعیف محور مقاومت می‌گذرد، تضعیف مقاومت اما اثر مستقیمی بر امنیت منطقه خواهد گذاشت. انفعال ایران در مواجهه با این دخالت مستقیم، راه را برای محکم شدن پای آمریکا در منطقه هموار می‌کند. نکته مهم دیگر آنکه، تضعیف محور مقاومت بخشی از پروژه تغییر نظم منطقه به نفع رژیم صهیونیستی و آمریکاست و ایران می‌بایست در وهله اول با اتکا به ابزارهای دیپلماتیک، مانع تغییر نظم منطقه و به خطر انداختن امنیت کشورهای منطقه مخصوصاً ایران شود. نکته دیگری که می‌بایست در برنامه‌ریزی‌های این سفر مورد توجه قرار گیرد، اتکا به نقاط اشتراک و تقویت تعاملات اقتصادی با همسایگان مخصوصاً عراق است.

پیام رسانه‌ای یک سفر

سفر یکی از مقامات ایران در میانه این تحولات مهم و تعیین‌کننده آن هم در مقام دبیری شورا به عراق و لبنان، این پیام را منتقل می‌کند که ایران در مواجهه با شرایط و تحولات جدید، همچنان نقش‌آفرین و اثرگذار است. بعد از اوج گرفتن تنش‌ها در منطقه و لبنان تقریباً سفر هر مقام ایرانی به کشورهایی مثل لبنان و عراق، زیر ذرهبین رسانه‌های بین‌المللی قرار گرفته تا با خواشش متن و فرامتن سفرها، تحولات و اثراتی که بعد از این سفرها متوجه منطقه می‌شود را منعکس کنند. سفر علی لاریجانی به لبنان و عراق نیز از این ابعاد رسانه‌ای مستثنی نیست، از جمله اینکه مواجهه‌ای دیپلماتیک با مواضع و اظهارات و اعمال نفوذ غربی‌ها در منطقه است و دناعی جدی برای منزوی کردن ایران در منطقه و حذف ایران از این تحولات است. علاوه بر آن با توجه به همراهی مردم کشورهای عراق ولبنان با محور مقاومت، سفر لاریجانی این پیام را منتقل می‌کند که ایران همچنان از محور مقاومت حمایت خواهد کرد. کما اینکه واکنش‌های مثبت کاربران عرب زبان به سفر لاریجانی اثبات‌کننده اثر این سفر است. در سطح دیگر نیز نشان می‌دهد که ایران، بر دیپلماسی به عنوان ابزاری مهم در تعاملات با کشورها تأکید دارد و اولویت را بر حل چالش‌ها از طریق گفت‌وگو و پیدا کردن راه‌حلی دوجانبه و سوده‌مند، قرار می‌دهد.

علی چاه‌خوزاده

حضور چهره‌ای همچون لاریجانی می‌تواند به تنظیم دقیق‌تر مرزهای همکاری و جلوگیری از شکل‌گیری وابستگی‌های یک‌طرفه کمک کند. او می‌تواند نقشی کلیدی در تعدیل نگاه‌های افراطی و در عین حال، تقویت عقلانیت راهبردی ایفا کند؛ عقلانیتی که می‌داند توازن در روابط خارجی، الزام امنیت ملی است. در این مقطع، کشور بیش از هر زمان دیگر نیازمند چهره‌ای است که بتواند در کنار شن‌شناخت دقیق منافع ملی، واقعیت‌های ساختار جهانی را درک کند و از افتادن در دام دوقطبی شرق و غرب پرهیز دهد. چهره‌ای که به جای نگاه صفر و صدی، از ابزارهای دیپلماسی برای افزایش قدرت مانور کشور در عرصه جهانی استفاده کند و مسیر بازیگری فعال، نه تبعیت منفعلانه را دنبال نماید. در تاریخ اسلام نیز این منطق رفتاری به‌خوبی مشهود است. پیامبر اسلام(ص) در جنگ بدر و احد، راهبرد تهاجمی در پیش گرفت، اما در جنگ خندق، بسا انتخاب یک راهبرد تدافعی و خلاقانه، مسیر نبرد را تغییر داد. امام علی علیه‌السلام نیز در مواجهه با بحران‌های داخلی، اولویت را به وحدت اجتماعی و پرهیز از شکاف‌های ویرانگر داد. این نمونه‌های تاریخی نشان می‌دهد که عقلانیت اقتضا می‌کند در هر دوره و بسته به اقتضانات زمان، تصمیم‌هایی اتخاذ شود که کمترین هزینه و بیشترین دستاورد را برای امت به همراه داشته باشد. اگر بازگشت لاریجانی با میدان دادن به همین عقلانیت، تدبیر و گفت‌وگو همراه شود، می‌توان امیدوار بود که سیاست خارجی ایران، نه از مسیر همسویی مطلق با شرق و نه با خوش‌بینی ساده‌لوحانه به غرب، بلکه بر پایه منافع ملی و استقلال راهبردی بازتعریف شود. چنین نگاهی، ایران را از موضع انفعال خارج کرده و در جایگاه بازیگری فعال و تعیین‌کننده در هندسه جدید قدرت جهانی قرار خواهد داد.